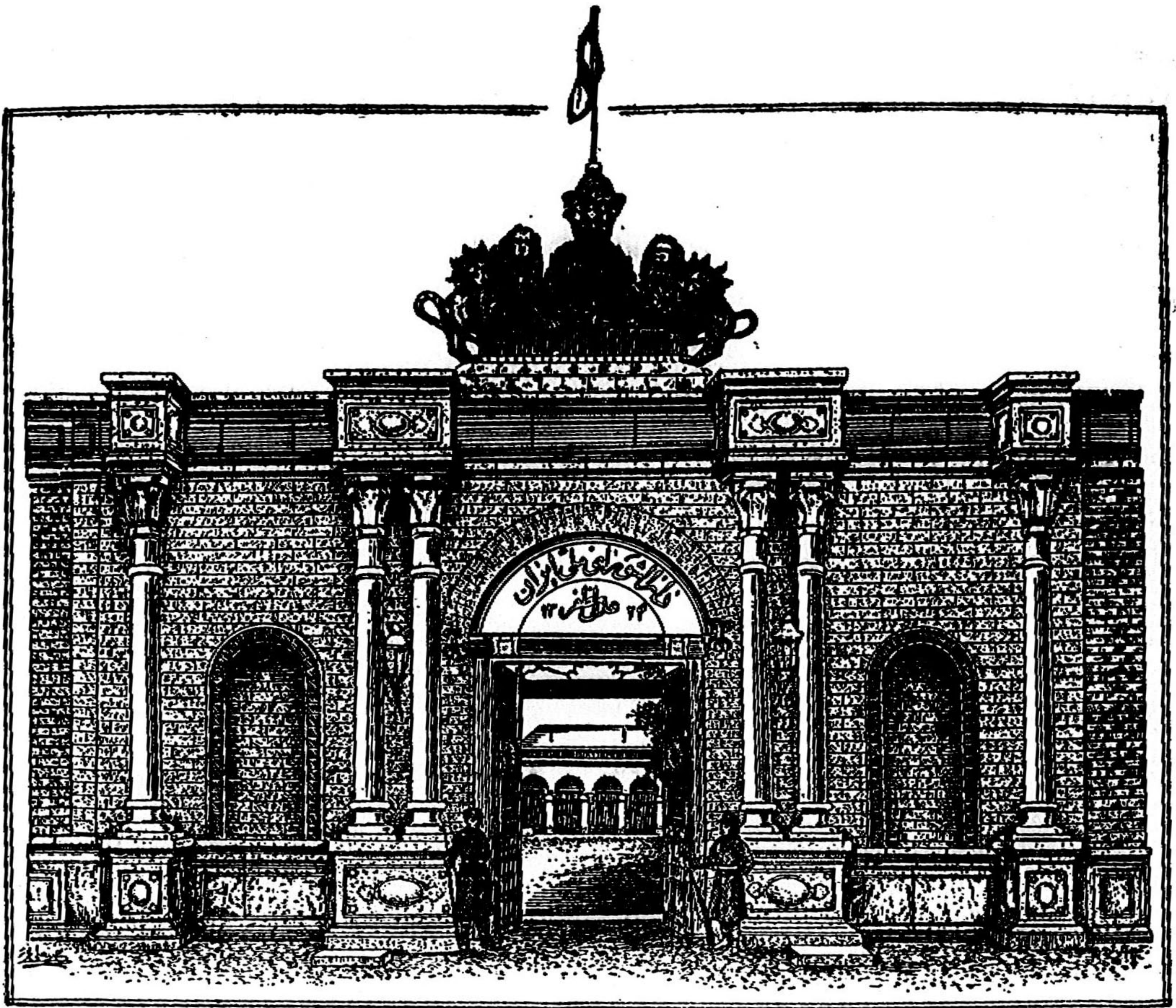


دوره ششم تقنینیه

جلسه ۱۳۲	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۹۷
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۱ اسرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۴ محرم الحرام ۱۳۴۶	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قيمة تك شماره يك قرائت

فهرست مندرجات

الی صفحه	از صفحه	عنوان
۱۹۸۰	۱۹۷۱	قرائت لایحه دولت بتقاضای دو فوریت راجع به واگذاری اختیارات ریاست کل مالیه در مدت ۵۱ روز به مستر مکاسکی خزانه دار و مذاکره در آن



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شبه اول مردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۴ محرم الحرام ۱۳۴۶

جلسه ۱۳۲

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : حاج علی اکبر امین - حاج آقا رضا رفیع
 اسفندیاری - دادگر - شریعت زاده - حیدری مگری -
 احتشام زاده - فرشی - عدل - والی زاده - سلطان

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر ریاست
 آقای پیرنیا تشکیل)
 (صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۹ تیرماه
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

محمد خان - مفتی - لبقوانی - حاج میرزا مرتضی -
تقی زاده - زعیم .

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : محمد ولی خان اسدی - علی خان اعظمی -
نظام مافی - حشمتی - بهار - حاج حسن آقا ملک
دیرآمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : شیخ الاسلام ملابری - عطاء الله خان
بالیزی - جهانشاهی - میرزا حسن خان وثوق .

دیرآمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان : مرتضی قلیخان بیات - حق نویس - محمد
تقی خان اسعد - غلامحسین میرزا مسعود .

رئیس - صورت مجلس اعتراضی دارد یا نه ؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر مالیه
وزیر مالیه - لایحه ایست راجع بکفالت ریاست کل
مالیه تقدیم میشود و تقاضای دو فوریت هم شده است .
(لایحه مزبور بمقام ریاست تقدیم و بشرح ذیل
قرائت شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی

چنانچه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است از چندین
قبل دولت مشغول مطالعه و مذاکره در تجدید کنترلات
رئیس کل مالیه بود چون قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ در
بعضی قسمت ها و مواد کاملاً واضح و روشن نبود
چون در اجرای این قانون بترتیبی عمل میشد که در
نظر هیئت دولت آن روبه کاملاً مطابق مفهوم و مدلول
قانون مزبور نبود . چون به تجربه مدلل شده بود وضعیتی
که ناشی از ابهام قانون و یا تعبیرات و اثرات مترتبه ر
آن تولید گردیده از نقطه نظر مصالح و مقتضیات مملکتی
محتاج باصلاح است .

چون در کنترلات دکتر میلیسپو حکمیت خاصی رای
رفع اختلاف نظر بین دولت و مشارالیه در موضوع
اختبارات و تطبیق رفتار مشارالیه با قانون مقرر شده

فوریت اختیارات مقرر در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ رابه
مستر مکاسکی برای مدت کفالت مشارالیه اعطا
فرمایند .

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد
که مستر مکاسکی را بکفالت ریاست کل مالیه برقرار نماید
مستر مکاسکی برای مدت پنجاه و یک روز دارای اختیاراتی
خواهد بود که قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ برای رئیس کل
مالیه سابق مقرر داشته است . رئیس الوزراء - مهدبقلی .
وزیر مالیه - فیروز

رئیس - مذاکراتی که میشود راجع بفوریت است .

فوریت قسم اول . آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق - بنده همیشه بافوریت مخالف هستم
ولی حالا در اصل موضوع عرض دارم

رئیس - آقای باستانی :

باستانی - بنده موافقم ولی چون ایشان مخالفی
نفرمودند عجله عرضی ندارم .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده دراصل موضوع عرض دارم .

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - موافقم .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - در فوریت عرضی ندارم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - دراصل موضوع عرض دارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - دراصل موضوع

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - دراصل موضوع

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - دراصل موضوع

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - کسی مخالف نیست

(اظهاری نشد)

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت قسم اول آقایان

موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . فوریت قسم دوم مطرح است

مخالفی دارد یا نه ؟

فیروز آبادی - بنده مخالفم .

رئیس - راجع بفوریت ؟

فیروز آبادی - خیر در اصل موضوع .

رئیس - رأی میگیریم بفوریت قسم دوم . آقایانی

که موافقت قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - عرض کنم در یکی از جلسات بنده

نسبت بکار مالیه و اختیاراتی که ...

یک نفر از نمایندگان - بلند تر

دکتر مصدق - بلی چشم . در یکی از جلسات

بنده راجع بمالیه و اختیاراتی که رئیس کل مالیه

داده شده بود عقایدی اظهار کردم و بعد هم وعده

دادم که اگر موقع برسد عقاید خودم را نسبت بخدمات

رئیس کل مالیه در مجلس شورای ملی بعرض برسانم

البته هرکسی معایبی دارد محاسنی هم دارد . امور مالیه

ما در تحت ریاست دکتر میلیسپو و وزرای وقت در این مدت چند سال رضایت بخش بوده است. زیرا حقوق ادارات دولتی که قبل از آمدن رئیس کل مالیه همیشه ناخبر می شد و بتعویق می افتاد کاملاً در آخر هر برج می رسید و حتی قبل از آمدن ایشان بعضی از اشخاص ممکن بود وسائلی نداشته باشند و حقوقشان را و احتراز کنند. ولی اینرا البته باید تصدیق کرد و گفت در این مجلس که آنها تصدی رئیس کل مالیه عامل مؤثر اوضاع مالیه نبود بلکه تشکیلات جدید مملکت و تأسیس نظام جدید بیشتر سبب میشد که آنها بتوانند موفقیت کامله پیدا کنند بنده بخاطر دارم که در موقع جنک بین المللی که خودم در وزارت مالیه بودم رئیس مأمورین مالیه طهران يك روزی آمد بهلوی من و اظهار کرد که ما چهارصد نفر ژاندارم داریم و اینها در بلوکات اطراف طهران و ورامین و اینجاها نمی توانند مالیات وصول کنند و علت این نتوانند بموقع وصول کنند تا حالا هم همان حقوقات معوق مانده است و بهشان نرسیده است ولی بعد از آمدن رئیس کل مالیه و اختیاراتی که بایشان داده شده بود در این مسائل دیگر نگرانی نبود و يك انتظاماتی در باب وصول مالیات و در باب تعدیل مخارج در مملکت پیدا شده بود و در حقیقت انتظامات مالیه که عرض کردم راجع بوصول مالیات و تأدیبه حقوق ادارات يك احساسات اداری برای رئیس کل مالیه فراهم کرده بود و مردم رفته رفته عادت کرده بودند که مالیات خود را بپردازند و از اصول مسامحه کاری و غفلت که قبل از اینها معمول بود خودداری مسئله را هم این طور اظهار کرد که تفنگ ندارد صدنا یا صدو پنجاه تا تفنگ شاید بیشتر نداشته باشند و بقیه شان بی تفنگ هستند بنده گفتم فکری باید کرد. بعد نوشتم بوزارت جنک که شهابك عده تفنگی برای این ژاندارمهای بی تفنگ ما بفرستید. جواب رسید که در وزارت جنک يك قبضه تفنگ هم نیست که ما بفرستیم. بعد چون شنیدم که در اداره گمرک يك عده تفنگ هائی که از سیستم های مختلفه

موجود است که بطور قاچاق گرفته بودند و ضبط کرده بودند. يك شرحی نوشتم ب اداره گمرک که مسموع شده است در آن جا يك تفنگهائی هست آنها را بدهید بمأمورین مالیه که بروند و در وصول مالیات عملیات شان مؤثر باشد از آنجا کاغذی در جواب بنده نوشته که در اداره گمرک فقط صدوسی قبضه تفنگ هست آنها به سیستمهای مختلفه که بعنوان قاچاق ضبط شده. بالاخره وضعیت مأمورین وصول مالیات این بود. وقتی که وضعیت مأمورین وصول این ترتیب باشد هر کس هم که باشد عملیانش فوق العاده مؤثر واقع نمیشود برخلاف اگر مأمورین وصول مجهز باشند البته آن مدیر کار هم میتواند مقاصد خودش را اجرا کند پس از این نظر بنده عرض میکنم که تنها وجود رئیس کل مالیه و این قوانین در طرز وصول مالیات و وصول عوائد مؤثر نیست بلکه ما باید تشکر خودمان را به پیشگاه مؤسس نظام ایران تقدیم کنیم. اصل اساس ایشان هستند و الا سهل است که مالیه قبض صادر کند ولی مودی ممکن است نپردازد. چون صادر کردن قبض اشکالی ندارد و مالیه هر قدر هم در تحت تشکیلات و نظام صحیح نباشد صدور قبض اشکالی ندارد بلکه تحصیل و وصول مالیات مشکل است چنانچه در اداره مالیه الان می توانند. برای سی هزار ارباب حقوق و وظائف قبض صادر کنند بنده یقین دارم که اگر بخواهند برای مالیاتهای مردم هم يك قبوضی صادر کنند سی هزار قبض را يك عده قلیلی می توانند صادر کنند. عمده مسئله وصول است. حقیقتاً سهل است و ممکن است رئیس اداره يك حکم خیلی صحیحی از روی هر فلسفه صادر کند ولی در چند فرسخ آن طرف اداره خودش آن حکم را اصلاً اجرا نکند. پس بنا بر این بنده باز تشکر میکنم و عرض می کنم که این تشکیلات وضعیات را برای کار کردن هر مدیری فراهم کرده است (صحیح است) و اما اینکه بنده عرض کردم اوضاع مالیه رضایت بخش است برای این است که

مالیه مملکت دو چیز است: یکی مالیه دولت است یکی مالیه ملت و ثروت عمومی. و اگر بصفحه سیزده راپرت هفتم خود رئیس کل مالیه مراجعه بفرمائید در آنجا معلوم میشود که ثروت عمومی ما ثروت ملی ما فوق العاده ترقی نکرده بلکه تنزل هم کرده است بنا بر این اگر ثروت ملی تنزل کرد مالیه هر قدر هم که منظم باشد و فتنیکه منبع خشك شد هیچکس از چشمه خشك نمیتواند سیراب شود بلکه باید ثروت ملی زیاد شود. این است که بنده عرض کردم مالیه ما موقه منظم شده است ولی اگر بخواهیم حقیقتاً بگوئیم مالیه وجود نافی باشد که حقیقتاً همیشه بتواند مملکت را اداره کند آن روزی ما میتوانیم این ادعا را بکنیم که ثروت ملی ما ترقی کرده باشد و ثروتی که ثروت ملی ما ترقی نکرده و تنزل کند قهراً اثرش بطور مستقیم روی مالیه دولت است. با این تفصیل و باین اعمال خونگ که بنده عرض کردم که شخص رئیس کل مالیه در وزارت مالیه داشته است او که مسؤل نظام مملکت نیست واقماً اگر يك رئیس کل مالیه بیاید در مملکت و مملکت هم منظم نباشد او هم بوظائف خودش رفتار کند ولی مأمور وصول نداشته باشد که کار کنند چه فایده دارد؟ او که مسؤل نیست بنا بر این شخص دکتر میلیسپو رئیس کل مالیه در حدود کار خودش یعنی آنچه را که باید بکند کرده است بنا بر این. بنده با شخص دکتر میلیسپو مخالف نیستم بلکه با اختیارات ایشان مخالف هستم یعنی با تعیین اختیاراتش که در آن جلسه هم بعرض رساندم و تذکر دادم. حالا هم در همان عقیده خودم باقی هستم و عقیده بنده يك چیزی نیست که با اوضاع فرق بکند یا يك نظریاتی که عرض کردم بعد تغییر عقیده بدم خبر. بنده عقیده را که اتخاذ کردم بهلوی خودم دلائلی را شخصاً اقامه میکنم بعد از آنکه بنظر آن عقیده صحیح آمد آن را تعقیب میکنم ولی اگر يك اشخاصی آمدند و گفتند که این عقیده شما صحیح نیست. و باین دلیل

غلط است بنده يك کسی نیستم که لجاجت داشته باشم البته اگر آن عقیده جدید بنظر خوب و صحیح آمد تغییر عقیده خواهم داد. عرض کنم که بنده با اختیارات دکتر میلیسپو مخالف بودم زیرا اختیارات دکتر میلیسپو بعضی هایش مربوط بامور اداری مالیه بود بعضی هایش هم حقیقتاً مربوط با اختیارات مالیه نبود يك اختیاراتی بود که روی هم رفته آنها را میشود گفت اختیارات سیاسی. بنده با این قسمت از اختیارات او مخالف هستم يك روز بنظر هست که رئیس کمیانی فقط جنوب که در طهران بود مستر فرلی و خیلی با بنده خصوصیت داشت و خیلی آدم خون بود روزی بایکی از رؤسای کل با اتفاق آمده بودند منزل بنده و از بنده دیدن کردند و آن رئیس کل بنظر مستر جا کس بود وقتی که آمدند و نشستند و مذاکره کردند گفت که خوب این اشخاصی که در مجلس يك صحبت هائی کردند راجع به آن قرارداد یعنی آن مراسله که نوشته شده بود در زمان کابینه آقای مستوفی از من پرسید که آقایان متوضیحین و آن کسانی که اعتراض داشتند چه میگفتند؟ بنده بعضی از آن اعتراضات را که در نظرم بود و مخصوصاً بعضی از آن اعتراضات را که خود حضرت والا در کمیسیون میفرمودند باو گفتم. حقیقتاً خدا شاهد است که بنده هیچ ملتی را مثل ملت انگلیس در دنیا منصف ندیدم که اگر يك چیزی را انسان صحیح بگوید خودشان منصفانه تصدیق میکنند. مخصوصاً مستر جا کس نسبت به بعضی از آنها تصدیق کرد که صحیح است. بنده آنوقت با اختیار یاد فرمایش خود آقای رئیس الوزراء افتادم که در کمیسیون فرمودند. بنده در آنجا با آقای رئیس الوزراء عرض کردم که آقای شما این مراسله را چرا امضا کردید؟ جواب دادند که ما چه کنیم دولت يك کمیونی تشکیل داد در وزارت مالیه که آقای محتشم السلطنه وزیر مالیه بودند و آقای مشاور الممالک وزیر خارجه و من که سه نفر بودیم و رئیس کل مالیه. بعد هم مستر فرلی آمد آن جا هر چه که

فرلی گفت دکتر میلسپو تصدیق کرد ما هم چه بکنیم امضاء کردیم. عرض کنم که این گذشت و حقیقه بنده خوشم آمد از این حرف و شخص آقای رئیس الوزراء را شخص خیلی منصفی میدانم و حقیقه بنده کسی را مثل ایشان ندیدم و از خود آقای رئیس الوزراء بکرات دیده ام که اگر ایشان يك کاری بر خلاف بکنند بعد واقعاً متوجه بشوند که بر خلاف بوده خودشان فوراً انصاف میدهند و تصدیق می کنند و مثل بعضی هالیستند که يك کاری بکنند بعد هم شوق بایستند و خودشان را بگیرند که خیر ما صحیح کردیم. بنده تصدیق میکنم که هر کاری را که ایشان کردند بعد بایشان عرض کنند که این کار خطا است میگویند حقیقه همینطور است و بنده شخص ایشان را تقدیس می کنم. بالاخره این مسئله گذشت. حالا هم بنده می گذارم و میروم سر مطلب مقصود من این است که تمام اینها روی اصل اختیارات است. بعد بنده چند وقت که گذشت یعنی يك ماه قبل از این در روز نامهها دیدم که خود شاهزاده وزیر مالیه که خودشان در مجلس جزو متوضیحین بودند این قدر تنقید میکردند رفته اند يك تصویب نامه صادر کرده اند بنده رجوع کردم و آن تصویب نامه را نگاه کردم و حالا عرض میکنم. تصویب نامه ایست تحت نمرة ۲۸۸۵ که از کابینه آقای هدایت گذشته است و ماده اول آن از این قرار است: دولت ایران اراضی مشروحه ذیل واقعه در آبادان را در تحت کلیه مقررات شرایط امتیاز نامه بشركت نفت انگلیس و ایران واگذار می نماید. اراضی مشروحه اینست که عرض میکنم

۱ - ۲۵۸ جریب در شمال حدود فعلی اراضی کپانی برای نصب مخازن نفت باحفظ حق کشیدن جاده بعرض سی ذرع از شمال بجنوب.

۲ - ۳۵۴ جریب در غرب حدود فعلی اراضی کپان برای ایجاد تفریح گاه باحفظ حق کشیدن جاده

بعرض ۳۰ ذرع

۳ - دو نقطه زمین یکی مساحت ۲۰۸ جریب دیگری مساحت ۲۰۰ جریب واقعه در غرب قطعه زمین از اراضی کپانی که موسوم است به باوار و آنانک خارم برای نصب مخازن نفت.

۴ - ۴۷ و ۳۳ جریب در کنار رودخانه بهمن شیر در حدود شمالی اراضی کپانی برای ساختن يك باب مریض خانه.

۵ - ۲۴ و ۷۹ جریب در منتهای قسمت شرق حدود کپانی برای قبرستان که مجموع اراضی واگذاری ۱۴۷۳ جریب می شود حالا بنده این جا لازم میدانم که يك توضیحی برای جریب بدهم

در ایام استبداد صغیر بنده يك مسافری از طهران به اروپا کردم يك تذکره از دولت گرفتم آنوقت هم مثل حالا نبود که درب هر دروازه بپرسند آقا پسر کیستی، مادرت کیست، خواهرت کیست مسافر خیلی آزادانه میرفت ناسرحد ولی اگر مثل حالا بود بهتر بود چون اگر بنده را درب دروازه طهران توقیف میکردند بهتر بود نالز سرحد برگردانند. باری بنده از طهران رفتم نارسیدم ازلی انجا خواستم بروم سوار کشتی بشوم گفتند ما باید تذکره شما را ضبط کنیم، گفتیم چرا؟ گفتند از مرکز دستور داده شده است. البته بنده آن جا ماندنی شدم خواستم در يك هتلی زندگی کنم اول رفتم در يك هتل پرسیدم که اطاق شی چند است آن صاحب هتل گفت شی شش قران گفتیم این جا گران است و نمیشود زندگی کرد رفتم هتل دیگری يك قفقازی آنجا بود گفتیم کرابه هتل شی چند است؟ گفت اوچ عباسی یعنی سه عباسی، چون چهار پنج نفر از طهران باینده همراه بودند برای هر کدام يك اطاق گرفتم. البته اطاقی که یکی سه عباسی باشد ارزان است و برای هر يك نفر يك اطاق گرفتم و گفتیم منتهاش این است که چهار اطاقی را که میگیریم در روز دو قران و دو عباسی باید

بدهیم. چند روزی آنجا ماندیم. پرسیدم که چای یکی چند است؟ گفت يك عباسی گفتیم اینهم که خوب است دیگر نا میتوانستیم دست از پا خطا کرده و هر چه میخواستیم سفارش کردیم آوردند، روز آخر صورت حساب را خواستیم دیدیم آنچه که ما خواسته ایم قیمتش پنج برابر آنقدر است که ما تصور میکردیم پرسیدم این حساب چرا پنج برابر شده است گفت بی حالا من فهمیدم که شما اشتباه کردید یعنی بکعباسی روس را با بکعباسی ایران اشتباه کرده اید مناسات روس پنجقران و چیزی بالا است این را پنج یکس را حساب کنید بکعباسی روس است معلوم شد چاهی يك قران اطاق سه قران میشود گفتیم چرا روز اول نگفتی گفت اگر میگفتم که شما چهار اطاق نمیگرفتید و این قدر سفارشات نمیدادید. این کار را مخصوصاً کردم که شما زیاد سفارش بدهید دیدم واقعاً طوری درست کرده که نمیشود ابدأ اعتراضی کرد و من حالا بهر کس بروم بگویم که اطاق سه عباسی است من میبخندم ناچار شدم همان صورت حسانی را که برای ما معین کرده بود دادم. بنده این تصویرنامه را که دیدم خیال کردم چون در عرف جریب پانصد شصت ذرع است این هم از همان جریبها است بعد رجوع کردم بقانون اوزان و مقادیر دیدم آنجا جریب را هکتار معین کرده که ده هزار ذرع است بنا بر این این اراضی واگذاری چهارده میلیون و هفتصد و سی هزار ذرع میشود....

مدرس - از اهواز هم باقی می آوریم. (خنده حضار)
دکتر مصدق - بلی همینطور است. و چون بر طبق قانون اوزان و مقیاس ها يك جریب زمین ده هزار ذرع مربع است اراضی واگذاری به کپانی متجاوز از چهارده میلیون ذرع مضروب زمین میشود و بنده لازم میدانم اول فصول امتیاز نامه و بعد عقیده خود را در باب تصویرنامه بعرض آقایان محترم برسانم

فصل دوم امتیاز نامه داری از اینقرار است:

صاحب امتیاز نامه دارایی حق انحصار کشیدن لوله های لازمه از سر چشمه های نفت و غیره تا خلیج فارس و كذلك شعبات لازمه لوله های فوق بجهت توزیع و تقسیم نفت بجا های دیگر خواهد بود. و كذلك حق بنای چاه های نفت و حوض ها و محل تعبیه و مواقع جمع و تقسیم و تأسیس کارخانه و غیره از هر چه لازم باشد خواهد داشت

فصل سوم اینطور میگویی: دولت علیه ایران اراضی باره خود را در جائیکه مهندسین صاحب امتیاز بجهت بنا و ماشین کارهایی که در فوق مذکور است لازم بدانند مجازاً بصاحب امتیاز واگذار خواهند کرد و اگر آن اراضی دایره باشد صاحب امتیاز باید آنها را از دولت بقیمت عادله خریداری نماید و دولت علیه بصاحب امتیاز نیز حق میدهد که اراضی املاک لازمه اجرای این امتیاز از صاحبان ملك برضایت آنها ابتیاع نماید و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین مقرر خواهد شد ولی صاحبان املاک مجاز نخواهند بود که از قیمت عادله اراضی واقعه از حوال و حوش تجاوز نمایند. جاهای مقدسه و جمیع متعلقات آنها از دائره که دویست ذرع شعاع آن باشد مجزی و مستثنا هستند بر طبق فصل دوم کپانی حق دارد هر بنائی را که برای استخراج و مخزن جریان نفت لازم است در خاک ایران بسازد. این هیچ محل زدید نیست. و بر طبق فصل سوم هرگاه انبیه کپانی در اراضی بایر دولت باشد کپانی اراضی را بلاعوض تصرف میکند و چنانچه از اراضی دائره باشد دولت باید آنرا بقیمت عادله بفروشد، در این صورت این تصویب نامه هم برخلاف امتیاز نامه و هم برخلاف قانون اساسی است...

وزیر مالیه - چرا؟

دکتر مصدق - اولاً برخلاف امتیاز نامه است زیرا بر طبق فصل دوم کپانی فقط حق دارد هر گونه بنائی که برای استخراج و مخزن و جریان نفت لازم است بنماید.

از این اراضی را امروز بفروشیم و قسمت های دیگر را بعد بفروشیم و منافع بیشتری ببریم؟ ثالثاً چون در جزء تصویبنامه مقداری از این اراضی را دولت برای بنای مرخصخانه و قبرستان میدهد آیا لازم نیست که کمپانی تعهد کند که از دفن اموات در اراضی مزبوره عوارضی دریافت نکند؟ جای تعجب است که بکوقت دولت برای دو هزار ذرع زمین واقع در شهر شیراز که بانک شاهنشاهی طالب است بوظیفه خود اقدام نموده و از مجلس تصویب آنرا درخواست میکند و موقع دیگر چهارده میلیون زمین مضروب را بموجب يك تصویبنامه میدهد و حاتم بخشی مینماید...

مدرس - باید بدو اراضی را معین کنند نه تا آخر مدت شصت سال

دکتر مصدق - در این موضوع این هم عقیده شما است. باری عقیده بنده این است که از این اختیارات کلی که داده میشود رئیس کل مالیه ما فایده نمیبریم بجهت اینکه وزرای ما وقتی که خودشان مختار هستند بد و خوب به کردن خودشان می افتند بد بکنند میگویند وزیر کرده است خوب بکنند میگویند وزیر کرده است ولی وقتی که يك اختیارات مهمی به يك کسی دادند وقتی آن شخص يك چیزی را امضاء کرد محض اینکه از وزیر سؤال کنند که آقا این چیست میگوید خوب آقا من چه کنم؟ شما باو اختیار داده اید. او که امضاء کرد من هم ناچارم امضاء کنم. در این مملکت که بکنفر وزیر مالیه انقدر مقتدر بیاید بنده واقعاً خیلی آدم از خود گذشته میدانم که زیر خط رئیس کل مالیه بزند برای اینکه این شخص حقوق میخواهد بگیرد، مالیات میخواهد بدهد. همه جور معاملات با مردم دارد نازه توی خانه اش هم که نشسته است يك ملاحظاتی باید بکند. بنا بر این بنده عقیده دارم که اختیاراتی که داده می شود باید در حدود کارهای اداری باشد نه اینکه اختیارات او انقدر زیاد باشد که

در اینصورت واگذاری سه میلیون و نیم ذرع زمین برای ایجاد تفریح گاه چون در استخراج و مخزن و جریان نفت مدخلیق ندارد با امتیاز نامه موافق نیست و همچنین برطبق فصل سوم امتیاز نامه دولت ایران مکلف است اراضی بابر خود را که قیمت ندارد مجانی بدهد نه يك اراضی باقیمتی که بعدها هر چه آبادی زیاد شود بر قیمت کنونی آن اضافه میشود. ثانیاً بر خلاف قانون اساسی است زیرا برطبق اصل بیست و دوم: مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل و یا فروخته شود باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد. از این عرایض مقصود این نیست که دولت با کمپانی مساعدت نکند بلکه مراد این است که هر مساعدتی در حدود امتیاز نامه و قانون باشد در اینصورت لازم است که دولت بطریق ذیل اقدام کند. اولاً معلوم شود که اینیه ضروری چیست تا در موقع وضع مالیات مورد اشکال نباشد زیرا برطبق فصل هفتم که از اینقرار است: تمام اراضی که بصاحب امتیاز واگذار شده است و همچنین اراضی که صاحب امتیاز بموجب فصل سوم استملاك خواهد کرد و همچنین تمام محصولات آنها که بخارجه حمل میشود از هر نوع مالیات و عوارض در مدت این امتیازنامه معاف خواهد بود.

هربنائی که برای استخراج و مخزن و جریان نفت لازم است باید از تأدیبه مالیات معاف باشد ولی اگر کمپانی در سه میلیون و نیم ذرع مضروب که بعنوان تفریح گاه تصرف میکند بناهایی که از قبیل هتل و تآزر و قهوه خانه و غیره که در سایر ممالك بآنها مالیات گزاف وضع میشود بنا نمود آیا این قبیل اینیه هم از تأدیبه مالیات معاف است؟ ثانیاً همانطور که فردی از افراد اگر چند جریب زمین دارد قسمت اول آن را ارزانتر میفروشد و همین که در آن قسمت خریدارها آبادی نمودند و نقطه مرغوب شد قسمت های بعد را تدریجاً گران تر میفروشد آیا صلاح ما این نیست که يك قسمتی

هر چه را او امضاء کرد وزراء بگویند ما ناچاریم باید امضاء کنیم. خصوصاً اینکه این اواخر دیدیم بعضی از وزراء که میخواستند بکقدری مقاومت کنند و ابستادگی کنند رئیس کل مالیه که بود آنها را از مالیه خارج میکرد و بالاخره وزراء مجبور میشدند بعد از آنکه از وزارت مالیه خارج میشدند يك تصدیقنامه از او بگیرند. بنده يك وقتی اروپا بودم يك چهل روزی بکنفر زد بنده آتیز بود وقتی که خواست از بهلوی بنده برود گفت آقا يك رضایت نامه به من بده و بنویسید اخلاق من خوب بوده و آدم درستی بوده ام من باو گفتم در ظرف چهل روز من چطور میتوانم تمام اخلاق و حالات شما را بدانم که يك چنین تصدیقی بشما بدهم! بالاخره گفت شما يك خط سفیدی در روی خدمات من خواهید گذاشت چون پیش هر کسی بخوام بروم از من خواهند پرسید که کجا بودی بعد کجا رفتی و من باید تصدیقنامه از همه جا ارائه بدهم و اگر يك جائی بوده ام که بدون تصدیق نامه باشد بالاخره زدید میکنند در خدمات من من مجبور شدم به او تصدیقنامه بدهم و دادم. حالا کار های مالیه ما هم بيك جائی رسیده بود که اگر يك وزیری از آنجا میخواست برود باید تصدیقنامه بگیرد که اگر يك جای دیگر بخواند برود کار کند نگویند شما که در آنجا بودید چه کرده اید؟ پس اساساً بنده با این اختیارات کاملاً مخالف بودم و نظر بنده این بود که وزرای ما از دو حال خارج نیستند باحقیقه مردمان درستی هستند یا مردمان درستی نیستند. اگر مردمان درستی هستند هیچوقت کار بدی نمیکند و اگر مردمان نادرستی خدای نکرده باشند آنوقت يك همچو کاغذهایی که میدهند افلا بجان نمیدهند. چطور؟ آن وزیر مثلاً میگوید من که میخواهم فلان کار را بکنم و يك مقداری از مالیه مملکت را ببخشم اگر بخوام تقسیم کنیم بهريك از افراد اهل مملکت بهر فردی فرضاً ده سانتیم

بعضی میگفتند باید علی رغم نصرت الدوله با دکتر میلسپو موافقت کرد و بنده با این عقیده مخالفت میکردم و میگفتم خدای نکرده نصرت الدوله بد اگر نصرت الدوله بگوید باید اختیارات دکتر میلسپو را کم کرد و يك حرف خوبی بزند باید رد کنید؟! بنده روی این اصل که آقای نصرت الدوله بعد از مدتی میخواست يك كار خوبی بکند و میگفت ما می خواهیم اختیارات خارجیها را کم کنیم با او موافقت میکردم ولی حالا معلوم میشود که پیشانی شده اند یا اینکه در حقیقت ما را میخواستند اغفال بکنند یکمرتبه با آن حسن عقیده که ما داشتیم تارقیمت که کلامان را پس و پیش کنیم آقا از عقیده خودشان عدول کردند دلیلش چیست؟ اگر حقیقتاً خودشان صلاحیت ندارند که وزارت مالیه را اداره بفرمائید بسیار خوب اقرار کنید، تشریف ببرید، استعفاء بدهید بنده عرض میکنم که در این مملکت آدمی که صلاحیت این کار را داشته باشد خیلی پیدا میشود، بنده خودم در وزارت مالیه اشخاصی سراغ دارم که خیلی خوب میتوانند کار کنند و کسان دیگری را هم سراغ دارم که در خانهای خودشان نشسته اند و منتظرند که بآنها کار رجوع کنند و امروز وظیفه دولت است که باید تشویق از اشخاص صحیح العمل بکند و آنها را وادار کند بکار و از آنها استفاده کند حضرت عالی اگر به خودتان عقیده ندارید بفرمائید که من نمیتوانم کار کنم استعفا میدهم ما هم با حضرت والا موافقت میکنیم که استعفا بدهید و بروید و يك کسی دیگر بیاید که وزارت مالیه را درست کند و اگر به خودتان عقیده دارید پس دیگر برای چهل، پنجاه روز يك اختیاراتی از مجلس برای چنین آدمی که اگر (بنده خدا را بشهادت میطلبم) دکتر میلسپو و مکاسکی را بپلوی هم بگذارند بنده دکتر میلسپورا با همه لجاجتش ترجیح میدهم اگر واقعاً حکایت این است که در خودتان صلاحیت نمی بینید استعفا میدهید و کابینه را هم آقای رئیس الوزراء مرتب میکنند و در عوض بیست و چهار ساعت می

آیند در مجلس و میگوبند که این شخص وزیر مالیه است و برای این چهل روز پنجاه روز يك ابرائی می رود وزارت مالیه را اداره میکنند و اگر هم برای يك ترتیبانی و يك نظریاتی در مدت این چهل پنجاه روز داشته باشد يك قرار داد جدیدی که حقیقتاً قابل قبول باشد می آورد در مجلس و میگذرانند و الا ما خواهش میکنیم که حضرت والا يك مرحق بفرمایند و از همان عقایدی که داشتند صرف نظر نمایند و ما را هم نسبت به خودشان در همان عقایدی که داشتیم بگذارید باقی باشیم....

مدرس - تصویب نامه را هم موقوف الاجراء بگذارند دکتر مصدق - بلی تصویب نامه را هم موقوف الاجراء بگذارید.

وزیر مالیه - فرمایشانی را که آقای دکتر مصدق فرمودند چندین قسمت داشت يك قسمتش که خیلی هم طرف توجه آقا واقع شده بود یک قدری خارج از مطلب بود ولی چون فرمودند بطور اختصار بنده آرا جواب عرض میکنم و آن قسمت راجع به تصویب نامه بود که در موقع دیگر بنده بطور تفصیل با مدارك جواب عرض خواهم کرد ولی عجاله بطور اجمال عرض میکنم که این تصویب نامه را که آقا برخلاف قانون اساسی تصور کرده اند صرف عمل به امتیاز نامه داری است..

مدرس - همان فصلي را که این جا خواندند؟ وزیر مالیه - حالا اگر شما در تشخیص اینکه این اراضی را که میخواهند برای فلان قسمت باید باشد و برای قبرستان نباید باشد یا برای مریضخانه نباشد و برای لوله کشی باشد اگر در این قسمت يك نظری داشته باشید این مسئله يك موضوعی است نظری که باید نگاه کرد و دید که آیا نظر آنان وارد است و عمل و سابقه هم که برای این امتیاز نامه بوده همینطور بوده است یا غیر از این بوده. يك قضیه دیگر هم آقای مدرس فرمودند که باید این قضا با در اول بشود نه بعد ها، اینهم يك مطلبي است که باید مورد بحث واقع شود و هر قانونی در

دنیا ممکن است ابهام داشته باشد و باید تفسیر کرد و این قانون هم چنانچه قابل تفسیر باشد باید تفسیرش کرد و الا ما که مجری قانون هستیم خود ما مفسر و معبر قانون نمی توانیم بشویم و نه اشخاصی هم که تفسیر و تعبیر میکنند قانون را باید اعتراض کرد برای اینکه تفسیر و تعبیر فقط از شأن مجلس است و بس. عرض کنم مسئله جریب و آن وقایع و هتل پهلوی را که فرمودند، این تفصیلات خیلی خوب و خوش مزه بود ولی بنده میترسم که باز يك اشتباهی در سه عباسی روسی و ترکی و ایرانی شده باشد. آقا جریب را جریب رسمی تصور فرمودند و جریبی که در قانون ذکر شده و يك رقمی هم ذکر کردند که تناقض داشت در اول موقع فرمودند چهارده میلیون و بعد سه میلیون فرمودند...

دکتر مصدق - سه میلیون برای تفریح کاه.

وزیر مالیه - در هر صورت این جریب جریب آبادان است که حالا بنده بواسطه بدی حافظه که دارم بطور قطع نمی توانم عرض کنم که جریب آنجا چه قدر است و در دوسیه هست و وقتی حساب بکنند با اراضی باری که در آنجا افتاده و برای آن مقاصدی که میخواهند چیز زیادی نیست و ممکن است آنرا بدهیم يك قسمتی را هم که آقای مدرس فرمودند آن جدا است يك قضیه ایست که ممکن است بحث کرد و ممکن است تدقیق کرد چون ناچار بحث نشده بود و آن حساب ها را که فرمودید تطبیق نمیکند و بنده حاضرم مفصلتر با آن صورت ها و آن ارقام با آقایان صحبت کنم و روی هم رفته ثابت کنم که خلاف قانون اساسی و خلاف امتیاز نامه نیست و امتیاز نامه این حق را میدهد. و راجع به بانک شیراز هم که فرمودید البته در این موقع دولت مقید بود که آنرا به مجلس بیاورد چون قانونی راجع باین موضوع موجود نبود ولی راجع به اراضی آبادان چون در امتیاز نامه مقید بود ما این کار را کردیم...

مدرس - باید فروخته باشید.

وزیر مالیه - اجازه بدهید آقا. بنده وقتی عریضی می کنم گوش بدهید بعد تشریف بیاورید جواب بدهید...

مدرس - آبادان من رفته ام يك وجب زمین با بر ندارد.

وزیر مالیه - عرض کنم تصویب نامه تعیین اراضی را نمیکند این اراضی مطابق امتیاز نامه اگر با بر باشد بجائی داده میشود و اگر دائر بود بقیمت عادلانه باید داده شود و يك ماده دیگر که ماده پنجم تصویب نامه است و آقا نخوانند او را هم پیش بینی کردیم که اگر يك وقتی معلوم شد آن اراضی مال دولت نیست باید مالکشان را راضی کنند. اینها يك عملیات اداری است و مربوط به تصویب نامه نیست، تصویب نامه اساس را تصدیق کرده و تشخیص اینکه این زمین با بر است یا با بر نیست و قیمت آن چه چیز است یا نیست این با وزارت مالیه است که بر طبق آن تصویب نامه از وزارت مالیه به فارس دستور العمل داده ایم که نماینده بفرستد و با نماینده آن ها تشخیص بدهند و حدود اراضی را معین کنند و دایر نبودن و دایر بودنش را معین کنند.

اما حالا می آئیم سر اصل مطلب، میدانم آقای مصدق السلطنه گاهی خودشان وقت میفرمایند که در ضمن شوخیهایشان زندگی دارد؟ موضوع عقیده به اختیارات يك چیزی است که ما بین بنده و ایشان مفصلاً بحث شده و ایشان میدانند که بنده با اختیارات آن ترتیبی که در قوانین بوده است عقیدتاً مخالفم اما نه به آن درجه که ایشان مخالف بودند. آقای مصدق السلطنه خیلی بیشتر از بنده مخالف بودند و عقیده بنده با ایشان خیلی فرق دارد. بنده يك قسمت از اختیارات را خوب میدانم و يك قسمت دیگر را برای يك مدتی بد میدانم و با يك قسمت مخالفم و بطوریکه خودشان اختیارات اداری و سیاسی را از هم تفکیک کردند اگر يك موادی

اختیارانی داده باشد به يك مستخدم خارجی كه مؤثر در امور سیاسی بتواند بشود این يك چیزی است كه بنده هیچوقت با آن موافق نیستم اما وقتی كه شما يك نفر مستخدم برای خودتان از خارجه می آورید باید برای مجلس را در نظر گرفت و باید برای هیئت دولت را دید و مقتضیات مملکت را هم كه همه اجاعاً در نظر میگیرند سنجید و تا وقتی كه شما محتاج هستید به آوردن يك مستخدمی البته باید در حدود کارهای اداری يك اختیارانی به او داد تمام این مذاکراتی را كه ایشان فرمودند صحیح است و بنده معترض بودم و اعتراض داشتم و حالا هم عرض میکنم اما این جا يك استدعا و تمنا میکنم كه آقایان ملاحظه فرمایند. با این مقدمانی كه ما در نظر گرفتیم میخواستیم يك اختیارانی را تا آن اندازه كه مضر نباشد بدهیم كه موادش را هم آقایان در روزنامه ملاحظه فرموده اند ولی حالا ناچاراً برای يك مدت موقتی و برای اینکه امروز كه يكشنبه اول امرداد است و رئیس كل مالیه نیست كارها فلج مانند و كارها معوق مانند یا كارها از صورت فعلی بدون مطالعه خارج نشده باشد آیا غیر از این راهی فرض میگردید كه ما بیائیم بگوئیم كه این قانون چهارم اسد را كه يك ماه دوماه دیگر از عمر طبیعی خودش باقی مانده به يك نفر دیگر واگذار كنیم كه مادر اینمدت برویم مطالعات خود را بنمائیم و قانون را بنویسیم و بیاوریم این جا باشا بحث كنیم؟ و بالاخره مطالعات خودمان را می كنیم و نتیجه آنرا به مجلس میاوریم و مجلس هم حكمت میکند و هرطور كه دستور داد ما مجری میکنیم بعلاوه يك چیزی را بنده به آقای خواهم تذكر بدهم اصل موضوع ائتلاف بنده و هیئت دولت و اعتراض مهم و اعتراض اصلی روی موضوع این حكمت من در آوردی بوده است. آقای دکتر مصدق خوب میدانند كه قانون چهارم اسد هیچ ذكری از حكمت نكرده است و معایب و مفسد بزرگ این تجاوزانی را كه ما قائل هستیم و

بودیم اینها قسمت عمده اش ناشی از این يك قسمت بوده است و تمام این هرايض را كه من كردم تصور نفرمائید و نسبت این را هم به بنده ندهید كه نسبت به آنها سست شده ام، خیر بنده در آن قانون چهارم اسد يك موادی است كه بواسطه ابهامش خوب نمیدانم و بعضی موادش اساساً خوب نیست ولی تصدیق بفرمائید كه اگر ما امروز بخواهیم بیائیم وقت مجلس را صرف كنیم در این لایحه قبل از اینکه يك طرف مقابلی كه بالاخره باید موجب این قانون كنترت شود و رضایت او هم شرط است نتیجه نخواهد داشت و تا ما بیائیم با يك کسی مذاكره كنیم كارهای مالیه بحال تعویق باقی میماند و این يك كار لغو و بیهوده خواهد بود پس بهتر این بود كه همین قانون چهارم اسد را بگذاریم پنجاه روز دیگر هم پیش برود تا اینکه آن معایب بزرگی هم كه در خود قانون نیست و در كنترت بود مرتفع شود. بالاخره اصل مطلب بر این است كه آیا ما محتاج هستیم به اینکه يك رئیس كل مالیه نوعی با بعضی اختیارات در مالیه خودمان داشته باشیم یا نه؟ اگر اكثريت مجلس و اكثريت هیئت دولت موافق با عقیده آقای دکتر مصدق باشند آنوقت البته بنده كاملاً مصدق میشدم كه این كار نمیبایستی بشود ولی وقتی كه رو بهمرفته عقیده بر این است (و خود بنده هم یکی از اشخاصی هستم كه با این قسمت موافقم و معتقدم و همین جا پشت همین تریبون هم اگر خاطر آقایان باشد در موضوع متخصص و متخصص آوردن عرض کرده ام كه ما متخصص میخواهیم ولی متخصص بمعنی تمام كلیه نه اشخاصی كه از هیچ جا اطلاع ندارند و می آیند این جا و از این خودمانی ها كسب اطلاع میکنند) بنده معتقدم كه متخصص ما لازم داریم و باید متخصص حساس بیاوریم و متخصص را هم كه می آوریم باید يك اختیارات اداری به او بدهیم تا بتواند كار كند و باید اختیارات خزانه داری ما به آن مسؤل خزانه خود بدهیم ولی باید او نوكر حرف قانون باشد این عقیده عقیده قطعی خود بنده و هیئت

دولت است خوب وقتی كه ما این عقیده را داشته باشیم تصدیق میفرمائید قانونی را كه میخواهیم بیاوریم به مجلس و اختیارانی را كه میخواهیم بدهیم باید فكر این را بكنیم كه مجری این چه کسی خواهد بود و باید يك قدری هم نظر او را بگیریم و با او خرف زنییم این دلایلی بود كه ما را معتقد کرده است كه این پنجاه روزی كه از كنترت مكاسکی باقی مانده است این اختیارات را با بدهیم و بنده يقين دارم كه قبل از انقضای این مدت دولت تصمیم قطعی خودش را خواهد گرفت و بعرض آقایان خواهد رساند. پس خوب است در اینمدت ما خودمان را معطل این مباحثات نكنیم و بگذارید كه يك چند صباحی دیگر هم این قانون دوام داشته باشد و تمام این مباحثات را در اصل مطلب خواهیم كرد و هر اعتراضی كه دارید وقتی كه آن قانون را آورديم اینجا بحث میکنیم و اگر موافقت نظر حاصل شود اصلاحاتی را كه در نظر داریم خواهیم كرد. ولی در قسمت دیگر بنده موافقم كه بایستی يك اختیارانی قائل شد و يك اختیارات اداری از نقطه نظر خزانه داری ایجاد كرد. در هر حال بحث این مذاكره را در آنموقع میکنیم. عجالاً آقای دکتر مصدق این لطف و محبت را بفرمایند و از این عقیده منصرف شوند كه آدم خوش باوری هستند زیرا نه ایشان اینطور خوش باور هستند و نه بنده اینطور سست عقیده كه در ظرف دوسه روز تغییر عقیده بدهم و این را میدانند كه بنده رضایت نامه بگیرم هم نیستم كه برای خاطر رضایت نامه تغییر عقیده داده باشم.

رئیس - آقای ارباب مخالفید؟

ارباب كیخسرو - بلی

رئیس - بفرمائید

ارباب كیخسرو - هیچ جای تردید نیست كه ما از وقتی كه تصدیق كردیم متخصص برای مالیه باید بیاوریم معتقد شدیم باینكه مالیه مان خراب است. در دوره دوم تقنینیه مجلس شورای ملی افتخار داشت اولین اقدام را

كرد و شوستر را آورد و متأسفانه او روی اماتش رفت دوره چهارم مجلس هم اقدام كرد كه بكمده متخصصین دیگر بیاورد در این مرتبه هم آن کسی كه رئیسشان بود رفت بنده هنوز نمیدانم كه حقیقه موضوع دعوی سر چه بوده؟ نزاعهایی در گرفت و بالاخره نتیجه این شد كه دكتر میلسپو میرود و البته فیابین موافقت حاصل نشده است و او خواسته است بزود مختار است اما اینکه در اینجا گفته شد كه دولت مجبور بوده است يك چیز هائی كه برخلاف مصالح مملکت بوده است امضاء كند بنده آن دولت را دولت قوی ندانسته و نمیدانم. قدرت دولتی كه در مجلس می آید و معرفی میشود و تكيه گاه او مجلس است بالاتر از این است كه آن چیزی كه برخلاف مصالح مملکت است امضاء كند. بنده خودم در موقعی كه قرارداد دكتر میلسپو از مجلس میگذاشت در مجلس نبودم. در موقعی بود كه از مجلس اجازه گرفته بودم و به دماوند رفته بودم و اگر آنوقت بودم مخالفت میکردم در اثر چه؟ در اثر يك اختیارانی كه به شوستر داده شد و بعد از اینکه او رفت برای ما اسباب زحمت شد البته هر كدام از اینها كه بمملکت آمده اند نیتشان خوب بوده است ولی در موقعی كه آن اختیارات داده شده است و یا اگر هم داده نشده است قدرت آنها بلکه ضعف دولتهای ما باعث شده است كه آنها سوء استفاده کرده اند ولی باوجود اینها دكتر میلسپو خدمت کرده است دكتر میلسپو تبدیل كرد مملکتی را كه عوض حقوق آجر میدادند به آنجائی كه حقوق تمام ادارات مرتب میرسید (نمایندگان - صحیح است) دكتر میلسپو مركز داد بمالیه و خدماتی كرد كه میتوانیم بر شماریم. البته يك مسائلی هم بوده است كه نباید اغماض كرد آقای دکتر مصدق شرح آن را بیان كردند. البته پیشرفت عمل آنها در سابه يك توجهانی بود كه از مقامات عالی تری شد اما انصاف بدهید. اگر کسی هم بود كه نمیخواست بکند آیا باز هم پیشرفت میکرد؟ دكتر میلسپو برای این

مملکت امین بود. دکتر میلسپو رفت ولی حالا بجای او میخوانند کس دیگری را بیاورند بنده در اینجا حرف دارم. این مکاسکی را که بجای دکتر میلسپو میخوانند بگذارند کسی است که همراه شوستر آمده بنده از همان وقت با او آشنا بودم نه دکتر میلسپو برادر بنده بود و نه با مکاسکی مخالف هستم ولی اولاً باید به بینیم مکاسکی را که میخوانند سراینکار بگذارند از عهده برمیآید یا نه؟ ثانیاً این شخص خزانه دار بوده است. کی را بجای او خواهید گذاشت؟ از آن طرف باید دانست که حساب مدت خزانه داریش را بکی داده است...

بکنفر از نمایندگان - پولهارا میخوانند بخورند

ارباب کیخسرو - یکی از علی را که ما برای خرابی

مالیه میتوانیم ذکر کنیم غالباً از اطرافیان این اشخاص بوده. میخواستیم به بینیم مکاسکی که الان میخواند رئیس مالیه بشود اطرافیان او معتبرتر و محترم تر از اطرافیان دکتر میلسپو هستند وزیر مالیه با آنها چه خواهد کرد؟ یکی از اعتراضات اساسی که آقای دکتر مصدق کردند این بود که ما آن موادرا مضر میدانستیم بدست دکتر میلسپو بدهیم در صورتیکه دکتر میلسپو را بنده شخصاً امین میدانستم حالا بنده نمیدانم چرا همان اختیارات باید به مکاسکی داده شود؟! می فرمایند پنجاه روز بیشتر نیست. بنده عرض می کنم (یک ساعت) بالاخره ما نمی توانیم یک اختیاراتی را به دست یک کسی بدهیم که یک نظریاتی نسبت به اطرافیانش است (نمایندگان - صحیح است) میگویند تا مدت پنجاه و یک روز این اختیارات را با ما بدهیم. خوب. حقوق این شخص چیست؟ بنده اینجا میخوام راجع مکاسکی و خزانه داری و کمیان هائیکه دورش جمع شده اند یک مثلی عرض کنم که مربوط به مجلس شورای ملی است. ما آمدیم از طرف مجلس یک مطبعه ایجاد کردیم. بنده رقم زحمت کشیدم. یک مقداری ماشین خریدم آوردم.

شخصاً پیش اعلیحضرت فرمودند نمثال من هر بدی چاپ شود باید در ایران چاپ شود و بخارجه نرود. بعد به آنها گفتند اعلیحضرت اینطور میفرمایند پس حرف شما چیست بالاخره در تحت این ترتیبات روز بروز هر چه گفتند وسائلش را تکمیل کردیم باز اخیراً شنیدیم که میخوانند به هارلم دستور بدهند. برای چه؟ برای اینکه یک حق العملهایی بگیرند. بنده خودم در سفر چهار سال قبل از این که از فرانک میآمدم با چند نفر همراه بودم در ایستگاه های راه روسیه خود بنده دیدم نمبر های صدتائی ناصرالدین شاهی نورا به قیمت خیلی ارزان میفروختند. حالا از کجا آمده است؟! نمیدانم این دفعه چه کردند؟ این دفعه نمیدانم کی نمثال اعلیحضرت را فرستاده اند در مطبعه هارلم و در آنجا با هر وضعیتی که بوده است نمونه نمبرها بیرون آورده اند و گفته اند پسند شده است اما کدام نمثال را بما دادند که ما درست در نیاوردیم که بگویند بد است؟ بموجب ماده چهارده قانون پستی تصویب شکل نمبر از مختصات دولت است بدون تصویب دولت نمونه نمبر در مطبعه هارلم ساخته می شود ما مگر توانستیم نمثال اعلیحضرت را از مکاسکی و اشخاص اطرافیش بگیریم؟! بنده در همین قسمت چندین است از آقای وزیر مالیه سؤال کرده ام و باید جواب بدهند...

وزیر مالیه - الان عرض میکنم.

ارباب کیخسرو - آنوقت آقایان میخوانند مالیه مملکت را بدهند باین شخص یا کسانی که دورش هستند بنده البته نسبت بخود این شخص این قدرها بدبین نیستم ولی نسبت به اطرافیانش بدبین هستم. بعلاوه اینجا چند چیز هست. اولاً بجه جهت این اختیارات باین شخص داده میشود؟ دیگر اینکه اختیار پنجاه روزه برای چیست؟ آقای وزیر مالیه فرمودند خواهش میکنم التماس میکنم. آقا: مگر مسائل مملکتی بخواهش و التماس است؟! هیئت دولت فعلی از روزی که تشکیل شده

نظرش این شده است که یک ترتیبی در کار رئیس کل مالیه بدهند یا اصلاح کنند. در این مدت در نظر نگرفتند که برای این کار یک ترتیبی بدهند. بعلاوه از وقتی که در این چند روزه نظر معلوم شده است که موافقت حاصل نمیشود هیچ اشکالی نداشت که آن قانون را در نظر میگرفتند و اصلاحاتی که لازم بود در نظر میگرفتند و قسمتهای زائدش را حذف میکردند و میگفتند ما باین قسمت این شخص را حاضر میکنیم که چهل پنجاه روز بیاید و امتحان خودش را هم بدهد. اگرچه بنده هنوز مردد هستم که مصدق و بجز امتحان کننده کی خواهد بود و چه جور امتحان خواهد داد. و بالاخره اولاً بنده موافق نیستم که عین حقوق دکتر میلسپو باین شخص داده شود یعنی عین اختیارات معینه در آن قانون واگذار شود موافق نیستم ثانیاً چه حقوق مالی برای این شخص در ظرف این پنجاه روز معین خواهند کرد؟ چون این شخص خزانه دار است و یک حقوق معین و مشخص دارد در ظرف این مدت چه حقوقی به او می دهند؟ و بطوری که عرض کردم امور خزانه داری به کی محول خواهد شد؟ و محاسبات خزانه داری به کی تحویل میشود؟ بالاخره اینها را معلوم میفرمایند که لایحه را با این دو فوریت آوردن و گذراندن ما در این چند دوره که در مجلس بودیم امتحان کردیم که کار هائیکه به عجله میآید در مجلس و میگردد آنوقت فردا پشیمان میشویم و بدست خودمان هم کرده ایم. پس خوب است سعی کنیم که بعد پشیمان نشویم.

رئیس - چند دقیقه تنفس داده می شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای یاسائی موافقتند؟

یاسائی - بلی

رئیس -- بفرمائید

باسانی - بنده امروز دیدم بیشتر مذاکرات که میبایستی بشود مربوط به این لایحه نیست و اغلب خارج از موضوع و در اطراف و حواشی موضوع بود. کما اینکه آقایان در متن مطلب مذاکراتی فرمودند. بعضی هم بصورت موافقت مثل آقای دکتر مصدق که يك مخالفت شدیدی با دکتر میلپیو کردند و اسمش را موافقت گذاشتند و بنده خیلی دقیق بودم در فرمایشات ایشان و دیدم جز مخالفت با دکتر میلپیو چیز دیگری نبود ولی اسمش این بود که با ماده واحده مخالفتند و با وضعیات سابق موافق در هر حال بنده میخواهم عرض کنم که این مذاکراتی که در اطراف مالیه فعلی میشود و مقایسه که مالیه کنونی با سابق میشود بیشتر از نقطه نظر طهران است یعنی مالیه طهران خیلی خوب است اما در ولایات و ایالات خیلی بد است. خواهش میکنم نمایندگان ایالات و ولایات در عرایض بنده دقت بفرمایند. بله در طهران حقوق به ما مرتب میرسد. و جوهری مرتباً از دروازه های طهران وارد میشود و بدست ماها میدهند و در خیابان لاله زار فرو میرود و از دروازه های مملکت بیرون میرود و میرود بخارج و ولی باید به بینیم مأمورین مالیه در قراء و قصبات و ایالات و ولایات چه میکنند؟ این قسمت را باید آقایان ملاحظه کنند. بالاخره انتظامات مالیه محلی مورد علاقه ماها بوده و هست و بیفی بین الله دکتر میلپیو هم خوب موفق شد که وضعیت خرج و دخل این مملکت را منظم کند و روی هم رفته در نتیجه مطالعاتی که بنده کردم دکتر میلپیو يك ناظر خرج خیلی خوبی بود برای این مملکت و همیشه مراقب معادله بود چه بوده است که يك تفاوت های بین و فاحشی خرج و دخل پیدا نکنند البته این اصلاح مملکت بوده است و البته مجلس شورای ملی هم باید ناظر خرج خوبی باشد. ماها هم از طرف ملت نماینده ایم که این نظارت خودمان را در هر مورد اعمال کنیم. ان شاء الله موفقیم

خواهیم شد ولی اصل موضوع که مربوط بماده واحده است این است که دکتر میلپیو را گفتند که اختیارات شما خیلی زیاد است و دولت میل دارد که این اختیارات را تجدید کنند و بيك صورت دیگری کنترات شما را منعقد کند و ببرد به مجلس. در جلسات عدیده در هیئت دولت بار رئیس کل مالیه مذاکراتی شد که غالب آقایان مسبقاً ما به اختلاف چه بود. یکی اینکه این پیشنهاد اصلاحی قید شده بود که وزیر مالیه میتواند يك مفتشینی برگزیند برای تقش امور مالیه حق نسبت بعملیات امریکائی ها و بالاخره یا اعتقاد باینکه دکتر میلپیو شخص فوق العاده امینی بود و آقای ارباب هم تذکر دادند نحاشی از این مسئله مورد نداشت ولی بالاخره اگر مجلس شورای ملی بيك وقتی تصمیم بگیرد که بيك مفتشینی بگمارد یا رئیس الوزراء یا وزیر مالیه این کار را بکنند البته کسی که اطمینان بصحت عمل خود دارد معتقد است بصحت جریان امور توحشی از این عنوان نباید داشته باشد. بيك موضوع دیگری که مورد مناقشه شده بود مسئله مسؤلیت امریکائیه و مستخدمین امریکائی نزد رئیس کل مالیه بود. ناکنون بموجب قانون چهارم اسد امریکائیه تماماً مسؤل رئیس کل مالیه بودند و در این پیشنهاد اصلاحی قید شده بود که اینها مسؤل وزیر مالیه باشند بنده بطور کلی موافق نبودم که اینها مسؤل وزیر مالیه باشند یا خزانه دار مسؤل رئیس کل مالیه نباشد بلکه میبایست مسؤل رئیس کل مالیه باشند ولی امین مالیه کرمان یا کرمانشاه دیگر معنی نداشت که وزیر مالیه ما را نشناسد تلگراف وزیر مالیه ما جواب ننویسد و هر چه دانش بخواد بکند و اعتنائی بوزیر مالیه نکند اینها اینقدر هامهم نبود و بعقیده بنده قابل اصلاح بود و ممکن بود موافقتی در اطراف آن بشود مثلاً بگویند خزانه دار مسؤل رئیس کل مالیه است ولی چند نفر دیگر مسؤل نباشند و بعقیده بنده لزومی ندارد که ما امریکائی را استخدام کنیم برای ایالات و ولایات بنده عرض میکنم

که امین مالیه کرمان به اندازه بيك حال ابرائی اطلاعات مالیه ندارد هر چه میخواهد آن پیشکارش میکند اینها را بنده هیچکدام را مربوط بدکتر میلپیو نمیدانم و معتقدم که شخص خدمتگذار امینی است و اطلاعات او بد نیست مخصوصاً تجربیات او بسیار خوب است ولی در عین حال ما مستخدم میخواهیم ما میلپیو را میخواهیم که مستخدم دولت باشد. آن چیزی که ام اختلاف بود بین دولت و رئیس کل مالیه مسئله طرز حکمیت بود. بيك مرتبه دیگر هم اینجا مذاکره شد که در قانون چهارم اسد طرز حکمیت بین دولت ایران و دکتر میلپیو پیش بیفی نشده بود بعد آقای علاء که نماینده ما بودند در واشنگتن اینرا اضافه کردند یا دولت ایران اضافه کرد. در هر حال در کنترات ایشان این ماده قید شد و خرده خرده دیده شد که بيك تجاوزاتی ز طرف میسیون امریکائی بر خلاف این قانون میشود ولی علتش را این اواخر فهمیدیم که این حکمیت باعث شده است که دولت ایران ساکت باشد. زیرا مسئله حکمیت دولت ایران را مجبور کرده بود که در مقابل مقاومت های آنها سکوت اختیار کند مثلاً خود بنده رئیس اداره قانون استخدام کشوری را دیدم که قانون را تفسیر میکند گفتم آقا من واضح قانون هستم صورت مجلس هست. عقاید و کلا در آنجا هست. میگفت من اینطور می فهمم و بالاخره بر خلاف قانون عمل میکردند. خلاصه آن طرز حکمیت باعث شده بود که دولت ایران در برابر آن تجاوزات سکوت اختیار کند. اخیراً از طرف دولت ایران تکلیف شده بود که ما حاضریم طرز حکمیت را عوض کنیم اگر اختلافی بین وزیر و رئیس کل مالیه حاصل شد آن اختلاف ارجاع میشود به هیئت وزراء و رأی هیئت دولت قطعی است اگر چنانچه آن اختلاف راجع بفهم قانون است یعنی وزیر مالیه در قانون کنترات از بيك عبارتی بيك مطلبی را بيك طرز خاصی استنباط میکند و رئیس کل مالیه بيك طور دیگری. آنوقت مسئله را

رجوع کنند بيك هیئت سه نفری که عبارت از رؤسای قوای ثلاثه عالیترین مقامات این مملکت یعنی رئیس مجلس شورای ملی. رئیس الوزراء و رئیس دیوان عالی نیز این سه نفر جلسه میکنند و آن ماده قانون را در تحت نظر میگیرند هر چه فهمیدند اطلاع بدهند بر رئیس کل مالیه و وزیر مالیه آنها هم اطاعت بکنند و اگر ماده مهم بود آن هیئت سه نفری لازم دانستند که مجلس شورای ملی آرا تفسیر کند آنوقت بيك لایحه تنظیم کنند و بفرستند به مجلس شورای ملی و مجلس هر چه رأی داد قطعی باشد. این طرز حکمیتی بود که دولت ایران بدکتر میلپیو تکلیف میکرد که قبول کند دکتر میلپیو میگفت که ممکن است دولت ایران و هیئت دولت در تحت تاثیرات سیاسی واقع شود و من راضی به حکمیت هیئت دولت نمیشوم بلکه بکنفر را من معین میکنم و بکنفر را دولت ایران. وزیر مالیه را نمیشناخت و خودش را در عرض دولت ایران قرار میداده است دولت ایران هم این را قبول نمیکرد و بنده عقیده دارم که خیلی هم خوب میکرد که او هم بيك حکمی بر علیه دولت ما حق داشته باشد معین کند زیرا این مسئله بيك نوع کاپیتولاسیون مخصوصی بود. آنها در موقعی که الفاء کاپیتولاسیون را ما در این مملکت میخواهیم اجراء کنیم. ما به اختلاف این بود. بنده شنیدم (ولی از خود دکتر میلپیو نشنیدم) که ایشان گفته بودند من وزیر مختار امریکارا حکم قرار میدهم بعد تکذیب کرده بود و گفته بود بکنفر ایرانی را معین میکنیم. معهداً بنده عقیده دارم چون منتخب بکنفر خارجی است نباید اختیار داد به او که بيك حکمی بر علیه دولت ایران اختیار کند. در هر حال ما به اختلاف اساس این بود و دکتر میلپیو مطابق اطلاعاتی که ما رسیده حاضر نشده است آن طرز را که دولت پیشنهاد کرده است قبول کند و دولت ناچار شده است که بيك علاج فوری برای این کار پیدا کند. برای اینکه در موقعی بود که ایشان میتوانستند

حاضر نشده است. يك قسمت مذاكراتی آقای ارباب راجع به اطرافیان مكاسکی فرمودند که بنده درست آنها را نمیشناسم ایشان نا بحال در خزانه بوده اند اعضاء خزانه هم لابد بحال سابقشان باقی هستند ولی ما حالا میخواهیم ایشان را انتقال بدهیم به دفتر کل مالیه با این قید که حالا بدولت تذکر میدهیم که کمپانی مالیه هنوز درست مغل نشده است همینطور که در اطراف مكاسکی يك اشخاصی بودند که يك نظر های غلطی میدادند همینطور هم در اطراف دكتر میلپو بودند و ما کراراً در این خصوص با دكتر میلپو مذاکره کردیم که اینها نظریات خوبی ندارند و شاید نظریات انتفاع شخصی شان بدتر باشد. در هر حال ما از دولت خواهش میکنیم که مكاسکی را که کفیل قرار میدهند برای مالیه ایران با این قید باشد که آن مستخدمینی که در این مدت پنجاه روز زیر دست این شخص هستند يك مستخدمین جدیدی باشند که قضا یا به سادگی بگذرد زیرا همانطور که سایر رفقا تذکر دادند اگر با همان کمپانیها بخواهند این کار را بکنند بنده هم مخالفم زیرا بالاخره در اطراف مستر رید و يك اشخاصی يك حرفهائی میزنند بهر حال مستر رید نباید برود نوی دفتر رئیس کل مالیه ...

حاج شیخ بیات - داخل در شخصیات نشوید.

باسامی - صحبت شخصی نیست بالاخره وقتی کلیات را تطبیق می کنیم مصادیق ناچار داخل در جزئیات می شویم زیرا در اطراف کلیات باید يك مصادیقی را در نظر گرفت میفرمایند خوب این خزانه دار را کی حسابش را رسیده و قبل از اینکه به حسابش برسند چطور او را می آورند کفیل مالیه میکنند بنده هم در این اظهار ایشان شریک هستم ولی خودشان میفرمایند دكتر میلپو شخص امینی است. بنده هم عقیده ام این است که شخص امینی است ولی بالاخره فرمودند که حساب دكتر میلپو را که میرسد؟ پس چه فرقی است ما بین دكتر میلپو و شخص مكاسکی؟ وقتی که ما معتقد شدیم

از مرخصی شان استفاده کنند دو ماه و بازده روز گویا حق داشتند از مرخصی شان استفاده کنند و ما نمیتوانستیم بایشان بگوئیم که از مرخصی استفاده نکن و در این موقع هم که اختلاف نظر حل نشده بود که آیا ما متخصص خارجی در آتیه لازم داریم یا نداریم. بنده از اشخاصی هستم که میگویم متخصص خارجی نظیر دكتر میلپو یا بهتر از دكتر میلپو برای ایران لازم است. بنا بر این آمدند و این کار را کردند. شخص بنده هم آنچه مراجعه کردم به نمایندگان محترم در خارج و داخل گفتند بهترین اشخاص بعد از دكتر میلپو همین مكاسکی است که همراه شوستر هم بان مملکت آمده بود و در این هیئت اخیر هم داخل بوده است. شاید اطلاعات این شخص، معلومات این شخص، شجاعت این شخص به اندازه دكتر میلپو نباشد ولی آنچه که بنده تحقیق کرده ام يك محاسب بی بدلی است و در این مدت پنجاه روز ما این شخص را با همان اختیارات به کفالت مالیه میگذاریم و دولت هم باید در نظر داشته باشد که در این مدت وسائل استخدام بکنفر امریکائی عالی مقام از دكتر میلپو را فراهم نماید و کمترت او را بیاورد مجلس گفته شد که اگر دولت مخالف با این اختیارات بود چرا عین اختیارات را واگذار به این شخص می کنند؟ این اعتراضی است که ظاهراً وارد است ولی اگر موقع را آقایان معترضین در نظر بگیرند تصدیق میفرمایند که این اعتراض وارد نیست زیرا حد اختیار هنوز ما بین نمایندگان و هیئت وزراء حل شده است تا يك حدی قائل شویم. بنده تا يك حدی قائل هستم بعد اختیارات. آقای دادگر تا يك حد دیگر. بالاخره هنوز يك نظر وجدانی پیدا نشده است که ما بگوئیم حدود اختیارات آن مستخدم خارجی اینطور باشد و اگر بخواهیم الان وارد این قضیه شویم چندین جلسه وقت لازم دارد در صورتیکه بایستی همین امروز ما تکلیف مالیه و خزانه را معین کنیم زیرا از قراریکه شنیده ام دكتر میلپو امروز در سر خدمت

که دكتر میلپو شخص امینی است و خزانه دار هم مسؤول او بود و او هم مسؤول دولت ایران است بنا بر این نگرانی مورد ندارد و بنده تصور نمیکم با مراقبت و نظارت نام و تمامی که دكتر میلپو در خرج و دخل مملکت اعمال میکرد يك نگرانیهای ما بتوانیم اظهار کنیم بنده خیال میکنم که وضعیات محاسبات و خزانه خیلی روشن باشد. اگر چه اطلاعات وافی ندارم در هر حال در این مدت پنجاه روز اگر دولت يك مطالعات و مراجعاتی به محاسبات خزانه و مالیه بکنند و مجلس را هم از وضعیات وزارت مالیه مطلع کند البته خیلی پسندیده و خوبست و يك نگرانیهای هم اگر هست مرتفع میشود يك حرفهائی هم هست یعنی يك اشخاصی میگویند که این عوائد بصورت ارقام است وقتی که ما بصورت ارزاق رسیدگی کردیم دیدیم همین طور است. پول نیست حساب ارباب حیدر علی است. وقتی که ما با وزیر مالیه صحبت کردیم تعجب کرد. ارباب حیدر علی يك آدمی است که ضامن يك عده چارودار عرب شده است و چهار صد و پنجاه هزار تومان پیش کرایه از ارزاق گرفته و خورده است دارائیش را هم انتقال داده است به بچه های و مفلس شده است عریضها هم گذاشته اند و رفته اند. شترهاشان هم مرده است این بوده است وضعیت ارزاق. بالاخره حساب ارباب حیدر علی نباشد این را لازم است تذکر بدهم که آقایان وزراء هم متوجه باشند به حساب خزانه که آنها مثل ارزاق نباشد. يك حسابهای نباشد که بالاخره جور کرده باشند. و جلو ما بگذارند. در هر حال يك موضوع دیگری را هم که لازم است تذکر بدهم این است که اطلاع پیدا کردم که در نتیجه این مذاکرات دوسه ماهه دكتر میلپو شاید آن توجهی که سابق بمالیه داشت نداشته و در همه جا عوائد نکس پیدا کرده است. عوائد سرحدی نکس پیدا کرده است. عایدات مستقیم همین طور اگر مقایسه بفرمائید عوائد سه ماهه ۱۳۰۶ را با عایدات ۱۳۰۵ صدی سی

تفاوت پیدا میکند. این را بنده حمل بر يك تامل هائی میکنم که خواسته اند بما نشان بدهند که اگر ما کناره جوئی کنیم اینطور آثار بد دارد. در هر حال بنده برای اینکه وضعیت مالیه روشن باشد و تکلیف مجلس و دولت و همه معلوم باشد عقیده ام این است که زود تر این ماده واحده را بگذرانیم باقید اینکه دولت در این پنجاه روز در فکر يك متخصص عالی مقام امریکائی باشد و در این مدت هم يك نظری که البته خوب هم هست راجع باختیارات او در نظر بگیرد و بیاورد بمجلس يك مسئله دیگر هم هست که البته همه قسمت هایش را نمیشود گفت ولی آن قسمت هایش را که میشود گفت این است که باید دولت در نظر بگیرد و آن متخصصی را که میخواهد استخدام کند يك کسی باشد که کمتر در سیاست مملکت دخالت کند. مقتض مالیه دنبال تلگراف رمز بوزارت خارجه برود بعنوان اینکه من حق نظارت دارم. مخارج کوریه مسکو ما را توقیف بکنند. بالاخره دولت باید اینها را در نظر بگیرد چیزهائی را که ما گفته ایم نظارت داشته باشد خواست و تا اندازه بنده تصدیق دارم ولی میگویم صد هزار تومان که وزارت عدلیه مجاز است که بگیرد و بمصرف ساختمان برساند وقتی مدتش گذشت باید يك اجازه ثانوی از نقطه نظر قانون محاسبات عمومی گرفته شود اما صد هزار تومان خرج نمایش فیلادلفی فوراً داده میشود که هنوز هم به تصویب مجلس نرسیده است. خلاصه اینکه باید طوری باشد که نظرای سیاسی اعمال نشود.

وزیر مالیه - بنده چند کلمه مختصر باید عرض آقایان برسانم. رو به رفقه اعتراضاتی که میشود آقای باسامی هم تذکر دادند منطقی بنظر میآید. مسئله این است که با اینکه مجلس و دولت اختیارات سابق را زیاد میداند حالا چرا برای يك مدت موقتی آن اختیارات مجدداً بکس دیگر واگذار میشود. این یکی از اعتراضات اساسی است که بنده از مخالفین میشنوم. يك قسمت جواب اینرا قبلاً

عرض کردم که این مدت چهل پنجاه روز که این اختیارات را دولت تصویب کرده است باین شخص واگذار شود از نقطه نظر این نیست که آن عقیده اولی که عقیده مشترک آقایان و دولت است ازین رفته باشد يك مسئله دیگری را که میخواهم عرض کنم این است که قانون چهارم اسد يك قسمت مهم آن چیزهایی را که محل نظر هست و آن مسئله حکمیت است (همانطور که عرض کردم) دارا نیست و این خارج از قانون بوده و در کنترات شخصی بوده است. و حالا که شما اختیار قانونی چهارم اسد را میدهند آن موضوع ازین میروند. این یکی از مسائلی است که تعدیل میکند آن تجاوزاتی را که بآنها اشاره کردند و وقتی که اینطور شد آن تجاوزات ازین میروند. یکی دیگر هم این است که البته کسی که امروز کفالت این کار را پیدا میکند باسوابقی که بنظر مجلس و نظریه دولت و نظریات عمومی دارد خودش متذکر است که يك تجاوزاتی نباید بکند و آن تجاوزات را هم البته دولت تجویز نمیکند. اما اینکه چرا ما این عقیده را پیدا کرده ایم برای کنترات این شخص. این را بنده قبلاً عرض کردم و حالا هم آقای باسائی اشاره فرمودند و آن اینست که کارها نباید معوق ماند. بنده خودم امروز صبح يك دستور العملهایی که مستلزم وضعیت جدید بود (و چون رئیس کل مالیه دیگر نبود) دادم و فرستادم و البته در آن دستور العملها صلاح این نبود که بنده کلیه عملیات خزانه داری را معوق بگذارم تا وقتی که تکلیف از طرف مجلس نسبت باین موضوع معلوم شود و البته این حال وقفه ادامه دادنش خوب نیست و بالاخره باید بیک صورتی در بیاید. يك اشاره آقای ارباب کیخسرو فرمودند و آقای باسائی هم توضیحاتی دادند راجع باطرافها و کمپانیها و غیره. یکی از عللی که ما این همه اصرار داشتیم و در آینه هم مصریم که اختیارات سوء تعبیر نشود و واضح باشد برای همین بود که اطرافها اگر بتوانند يك اعمال نفوذ هائی بکنند

شده است از حیث موجودی خزانه و حسابهای مختلفه و جریان امر باقیب اینکد مسؤل رسمی محاسبات هستند در این موقع بنویسند و بدهند البته آن را بر آنها را هم بعرض هیئت دولت و مجلس محترم میرسانم. خود اینها يك نوع رسیدگی و يك نوع تفتیش در امور محاسباتی خزانه است و البته اگر هم لازم باشد که در آن را بر آنها يك نوع تفتیش دیگری بشود آرا هم از نقطه نظر اداری و مسؤلیتی که دارم خواهم کرد و بنظر آقایان میرسانم. روی هم رفته بنده تصور میکنم با اینکه این مطلب همانطور که عرض کردم منطقی است و آقایان که آن اختیارات را زائد میدانند برای مدت موقتی هم زائد میدانند ولی از نقطه نظر این مسائلی که عرض شد اگر موافقت بفرمایند خصوصاً با آن عرضی که بنده کردم که آن اختیارات قانون چهارم اسد غیر از آن اختیارات سابق است و مخصوصاً شکایاتی که ما همیشه داشتیم و بنده خودم معترض بودم راجع به تجاوزاتی بود که نسبت به قانون چهارم اسد میشد اینها ازین خواهد رفت و در همان قانون هم اگر درست دقت بفرمائید در غیر از امور پرسنلی در هیچ موردی رئیس کل مالیه یا کسی که این اختیارات را دارد بدون

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

تصویب وزیر مالیه نمیتواند هیچ اقدامی بکنند. اگر هم اقدامی شده است برخلاف قانون بوده است باین ملاحظه بنده تصور میکنم که اگر آقایان موافقت بفرمایند و این اختیارات موقتی را تصویب کنند بصلاح مملکت است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است حاج شیخ بیات - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

حاج شیخ بیات - بنده عقیده ام این است چون این موضوع فوق العاده اهمیت دارد خوبست آقایان اجازه بدهند آقایان که اجازه خواسته اند نظریات خودشان را بفرمایند و بنده عقیده ام این است آقای وزیر مالیه که با اختیارات دکرمیلیسیو مخالف بودند حقش این بود که همان اختیاراتی را که اخیراً بدکتر میلیسیو پیشنهاد کردند به این شخص واگذار میکردند نه اینکه همان اختیارات سابق را بنا بر این بنده نمائمی کنم که آقایان اجازه بفرمایند مطالب گفته شود

رئیس - عده برای رأی کافی نیست. کسی هم در خارج مجلس نیست عده کافی نخواهد شد جلسه ختم می شود بقیه مذاکرات میباید برای پس فردا